



تحلیل روش و آسیب‌های مناقب‌نگاری علمای شافعی دربارهٔ امیرالمؤمنین علیه السلام

علیرضا آزادی (کارشناس ارشد علوم و معارف نهج البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث قم)

aazadi025@gmail.com

محمدحسن زمانی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

i_m_zamani@imam.miu.ac.ir

(تاریخ دریافت: ۹۴/۰۸/۰۶ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۰۱)

چکیده

مناقب‌نگاری حضرت علی علیه السلام در بین همه مذاهب اهل سنت رایج بوده و علمای مذاهب چهارگانه نسبت به این امر اهتمام دارند. با جستجو در منابع و تحلیل اجمالی از منقبت‌نگاری امیرالمؤمنین علیه السلام در بین علمای مذهب شافعی و بررسی سیر تطور آن در طول تاریخ، مشاهده می‌شود که از قرن سوم تا دوره معاصر، آثار علمای شافعی جزء بیشترین و با ارزش‌ترین مصنوعات تدوین شده در عرصه مناقب‌نگاری علی علیه السلام می‌باشد که با روش‌های متنوع در شکل نگارش، محتوای نگارش و گونه نگارشی توسط علمای این مذهب به رشته تحریر درآمده است. با توجه به عدم بهره‌گیری مناسب علمای شافعی از مکتب اهل بیت علیهم السلام این آثار دچار آسیب‌هایی از قبیل عدم جامعیت، نقل ناقص و متناقض مناقب حضرت شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی، منقبت‌نگاری، مناقب‌نگاری، علی علیه السلام، شافعیه.

۱- مقدمه

بیان فضائل و مناقب حضرت علی علیه السلام منحصر به پیروان و شیعیان ایشان نیست، هرچند علمای امامیه در این رابطه کتاب‌های مختلف و بی‌شماری را تدوین نموده‌اند، ولی علمای مذاهب

چهارگانه اهل سنت نیز به خاطر جایگاه والای این شخصیت بی نظیر جهان اسلام و محبت به خاندان رسول خدا ﷺ به صورت گسترده به نقل مناقب و فضائل حضرت پرداخته‌اند؛ لذا در این زمینه نگارش‌های فراوانی را از خود به یادگار گذاشته‌اند که می‌توان این آثار را به سه دسته تقسیم نمود:

الف) کتاب‌هایی که درباره پیامبر ﷺ و صحابه به صورت عام نوشته شده است و در آن‌ها مناقب و فضائل پیامبر اسلام ﷺ و صحابه آن حضرت، خصوصاً مناقب علی علیه السلام نیز بیان گردیده است؛ در این میان مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به سایر صحابه قابل ملاحظه می‌باشد.

ب) کتاب‌هایی که علمای اهل سنت به طور عام درباره فضائل اهل بیت علیهم السلام نوشته‌اند که مناقب امام علی علیه السلام نیز در صدر آن‌ها می‌باشد.

ج) کتاب‌هایی که علمای اهل سنت فقط به بیان فضائل و مناقب خاص امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخته‌اند.

پس از تدوین نهج البلاغه توسط سیدرضی (م ۴۰۶ ق) علمای بسیاری بر آن شرح نگاشته‌اند که برخی از این شروح توسط علمای اهل سنت نگارش یافته و معروف‌ترین آن، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید است؛ نویسنده در هر قسمتی از کتاب که توانسته ضمن شرح کلمات نورانی حضرت به ذکر مناقب ایشان نیز پرداخته است. به نظر می‌رسد این آثار را می‌توان نوعی نقل مناقب و فضائل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دانست.

با توجه به نویسندگان، مناقب‌نگاری‌ها اختصاص به مذهب خاصی از مذاهب اهل سنت نداشته و همه مذاهب در این زمینه دست به قلم شده‌اند و آثار بسیار ارزشمندی را در این زمینه ارائه نموده‌اند.

با جستجو در منابع و تحلیل اجمالی از منقبت‌نگاری امیرالمؤمنین علیه السلام در بین علمای مذهب شافعی و بررسی سیر تطور آن در طول تاریخ، درمی‌یابیم از قرن سوم تا دوره معاصر آثار مختلفی که از علمای شافعی به یادگار مانده است، جزء بیشترین و با ارزش‌ترین مصنوعات تدوین شده در عرصه مناقب‌نگاری علی علیه السلام می‌باشد؛ این امر ارادت خاص و ویژه علمای مذهب شافعی به ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام را نشان می‌دهد؛ که با روش‌های متنوع در شکل نگارش، محتوای نگارش و گونه نگارشی توسط علمای این مذهب به رشته تحریر درآمده است.

در این پژوهش به بررسی شیوه‌های نگارش و برخی از آسیب‌های احتمالی آثار علمای شافعی مذهب که درباره مناقب حضرت علی علیه السلام نگاشته شده می‌پردازیم.

۲- روش‌های منقبت‌نگاری

روش‌های منقبت‌نگاری از جنبه‌های مختلف قابل دسته‌بندی است. یکی از تقسیم‌بندی‌ها بر اساس شکل نگارش به دو قسم مستقل‌نگاری و مجموعه‌نگاری می‌باشد؛ برخی از منقبت‌نگاران مناقب حضرت را به صورت مستقل نگاشته‌اند که در این نوشته تحت عنوان مستقل‌نگاری ترسیم شده است و برخی از منقبت‌نگاران مناقب حضرت را در میان مناقب سایر صحابه یا اهل بیت علیهم السلام مورد توجه قرار داده‌اند که تحت عنوان مجموعه‌نگاری درج شده است.

یکی دیگر از تقسیم‌بندی‌ها توجه به گونه نگارش است که به دو صورت نظم (شعر سرایی) و نثر به رشته تحریر درآمده‌اند. از لحاظ محتوای نگارش نیز این مناقب به دو قسمت مناقب نقلی محض و مناقب تحلیلی تقسیم می‌شود.

۱- ۲- شکل نگارش

شکل نگارش مناقب به دو گونه مجموعه‌نگاری و مستقل‌نگاری تقسیم می‌شود:

۱- ۱- ۲- مجموعه‌نگاری‌ها

مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام گاه در مجموعه‌هایی که مناقب صحابه را مطرح کرده‌اند و گاه در بین مجموعه مناقب اهل بیت علیهم السلام بیان شده است.

۱- ۱- ۲- مجموعه‌نگاری‌های مناقب صحابه

اهل سنت با رویکرد احترام به صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله منقبت‌نگاری ایشان را یک ارزش قلمداد کرده، به ویژه خلفای راشدین که در بین صحابه جایگاه ویژه‌ای دارند، لذا برخی از مناقب‌نگاری‌های حضرت علی علیه السلام توسط علمای شافعی در قالب فضائل‌نگاری صحابه در فصل‌های مستقلی به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین صحابه و اولین مسلمان منعکس شده است. همچنین در کتاب‌هایی که درباره تاریخ یا مناقب خلفای راشدین نگاشته شده است به فضائل حضرت نیز به صورت مجزا پرداخت شده که توسط برخی از پژوهشگران فضائل حضرت به صورت مستقل به چاپ رسیده است. از جمله این آثار کتاب‌های «معرفة الصحابة» و «حلیة الاولیاء و طبقات



الأصفياء» اثر ابونعیم اصفهانی، «تاریخ بغداد» اثر خطیب بغدادی، «تاریخ مدینة دمشق» اثر ابن عساکر و «اسدالغابة فی معرفة الصحابة» اثر ابن اثیر جزری را می‌توان نام برد.

۲-۱-۲ مجموعه نگاری‌های مناقب اهل بیت علیهم‌السلام

اثر معصومین علیهم‌السلام در میان شافعی مذهببان خصوصاً علمای شافعی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند که این محبت و علاقه را در شعر و نثر ابراز داشته‌اند، لذا بیش‌ترین آثار در این زمینه در بین مذاهب اهل سنت مربوط به شافعیان می‌باشد؛ بنابراین در کتاب‌هایی که درباره اهل بیت علیهم‌السلام به نگارش درآمده است اولین شخصیتی که مورد مدح و ستایش قرار گرفته است و درباره مناقب و فضائل ایشان سخن گفته شده است وجود مبارک امام علی علیه‌السلام هست که در این‌گونه آثار خودنمایی می‌کند و تقریباً در هر اثری که درباره مناقب اهل بیت علیهم‌السلام نوشته شده است نقل مناقب و فضائل حضرت نیز به صورت مبسوط بیان گردیده است. از جمله این آثار می‌توان به کتاب «دُخَائِرُ الْعُقَبِي فِي مَنَاقِبِ دَوِي الْقُرْبِي» اثر محب‌الدین طبری، «فَرَائِدُ السَّمْطِيْن فِي فَضَائِلِ الْمُرْتَضِي وَ الْبَتُولِ وَ السَّبْطِيْنِ وَ الْأَنْمَةِ مِنْ دُرِّيْتِهِمْ» اثر حموی جوینی، «إِحْيَاءُ الْمِيْتِ بِفَضَائِلِ أَهْلِ الْبَيْتِ علیهم‌السلام» اثر جلال‌الدین سیوطی و «مَطَالِبُ السُّؤُولِ فِي مَنَاقِبِ آلِ الرَّسُولِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» اثر ابن طلحه شافعی اشاره کرد.

۲-۲-۲ مستقل نگاری

در مناقب حضرت علی علیه‌السلام کتاب‌های مستقلی نیز نگاشته شده که در این کتاب‌ها یا مجموعه فضائل حضرت جمع‌آوری یا یکی از فضائل ایشان را بیان کرده‌اند و یا برخی از فضائل حضرت علی علیه‌السلام را به صورت اربعین نگاری تبیین کرده‌اند.

۲-۲-۱ مجموعه فضائل

با توجه به جایگاه ویژه امیرالمؤمنین علیه‌السلام در بین صحابه و نیز کتمان حقائق و فضائل اهل بیت علیهم‌السلام و نشر اکاذیب توسط برخی از دشمنان آن حضرت در دوران بعد از خلافت ایشان و مخدوش نمودن فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علیه‌السلام توسط بنی‌امیه و همچنین ارادت خاص شافعی مذهببان، سبب شد علمای مشهور شافعی جهت شناساندن جایگاه حضرت علی علیه‌السلام و زدودن ابهام از شخصیت ایشان در بین برخی از مسلمانان کتاب‌های مستقلی درباره مجموعه فضائل و مناقب آن حضرت در طول اعصار مختلف به رشته تحریر درآورند.

این نوع نگارش فضائل و مناقب حضرت علیه السلام توسط علمای شافعی فقط اختصاص به مناقب حضرت دارد و فضائل سایر اهل بیت علیهم السلام در این گونه آثار مدنظر نمی‌باشند و اگر در کنار نقل فضائل ایشان فضائلی از حضرت زهرا علیها السلام و حسنین علیهم السلام دیده شود، از باب فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام که چنین همسر و فرزندی دارد، شمرده می‌شود. از جمله این مستقل‌نگاری‌ها کتاب «خصائص امیرالمؤمنین علی علیه السلام» اثر عبدالرحمان احمد بن شعیب نسائی، «ما نزل من القرآن فی علی بن ابی طالب علیه السلام» و «مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام» اثر مردویه اصفهانی، «فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام» اثر بیهقی خسروجرودی، «مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام» اثر ابن مغازلی، «ما نزل من القرآن فی امیرالمؤمنین علی علیه السلام» اثر ابونعیم اصفهانی، «الاربعون المنتقی فی فضائل علی المرتضی علیه السلام» اثر ابوالخیر طالقانی و کتاب‌های زیاد دیگری که در دوره معاصر نیز نوشته شده است که در معرفی علمای شافعی معاصر به آنها اشاره شده است.

۲-۲-۲-۲ فضیلت خاص

گاهی علما و مناقب‌نگاران، برخی از فضائل اختصاصی حضرت را از جنبه‌های مختلف روایی، رجالی و درایی مورد تبیین و بررسی قرار داده‌اند و صحت فضیلت موردنظر را برای حضرت به اثبات رسانده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب «حدیث طیر» اثر حاکم نیشابوری، «حدیث الطیر»، «حدیث رد الشمس» اثر مردویه اصفهانی، «حدیث طیر» و «حدیث من کنت مولاه» اثر ذهبی، «فتح الملك العلی بصحة حدیث باب مدینة العلم علی علیه السلام» اثر أحمد بن الصدیق الغماری و کتاب «الإفادة بطرق حدیث النظر إلى علی علیه السلام عبادة» اثر عبدالعزيز الغماری، اشاره کرد.

۲-۲-۲-۳ اربعین نگاری

اربعین‌نگاری در میان علمای امامیه رونق بیشتری داشته و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد؛ ولی در آثار برخی از علمای شافعی نیز چنین نوشته‌هایی مشاهده می‌شود. از جمله کتاب «الأربعین فی فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام» اثر خطیب بغدادی و کتاب «الاربعون المنتقی فی فضائل علی المرتضی علیه السلام» اثر ابوالخیر طالقانی، «اربعون حدیثاً فی فضائل علی علیه السلام» اثر یوسف بن اسماعیل یوسف التنبهانی که شامل ۴۰ حدیث مسند در مناقب حضرت علی علیه السلام می‌باشند.

۲-۲ گونه نگارش

نویسندگان مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام با توجه به ذوق و قریحه‌ای که داشته‌اند کتاب‌های خود را

به دو گونه منظوم و منثور تألیف کرده‌اند.

۱-۲-۲ منظوم

هرچند بیشتر آثار نوشتاری در همهٔ زمینه‌ها در قالب نثر نگاشته شده‌اند، مناقب‌نگاری‌ها نیز از این قاعده مستثنا نیستند؛ ولی به خاطر محبت، علاقه و عاطفه در این گونه روابط بین مسلمانان و اهل بیت علیهم‌السلام، کسانی که ذوق ادبی و سرودن شعر داشتند در زمینهٔ مناقب معصومین علیهم‌السلام به ویژه علی علیه‌السلام از این قالب نوشتاری استفاده نموده‌اند که گاهی این نوشته‌ها به صورت دیوان یا کتاب مستقلی پدید آمده است و برخی نیز به صورت غزل یا مثنوی و یا قصیده و سایر قالب‌های شعری از طرف شاعران در آثارشان خودنمایی می‌کند. از آنجایی که شافعیان در میان اهل سنت به عشق و محبت نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام شهره هستند و علاقه عاطفی خاصی به آن بزرگواران دارند، لذا در آثار مناقب‌نگاری علمای شافعی اشعار منقبتی و مداحی ائمه معصومین علیهم‌السلام و حضرت علی علیه‌السلام بیشتر به چشم می‌خورد. برخی از این اشعار در نام و نسب و مرتبه علمی این امامان بزرگوار سروده شده و برخی دیگر به مدح یا تجلیل از مقام بلند و علو مرتبه ایشان پرداخته‌اند. از جمله اولین آثار شعری منقبتی و مداحی اهل بیت علیهم‌السلام را می‌توان در «دیوان امام شافعی» دید که وی در کنار سایر اشعار خود به مناقب و مدح اهل بیت علیهم‌السلام و حضرت علی علیه‌السلام نیز به طور ویژه پرداخت نموده است و برخی شعرا سروده‌های منقبتی دربارهٔ اهل بیت علیهم‌السلام را در دوره‌های مختلف جمع‌آوری نمودند. همچنین کتاب شعر «تولای علی علیه‌السلام در فرهنگ گردهای اهل سنت جهان» که توسط شاعر معاصر شاهرخ اورامی از اشعار شاعران گرد زبان گردآوری شده است و اشعار فراوان فارسی و عربی که در فضائل اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سروده شده و در آثار اکثر شاعران شافعی مذهب پراکنده است که به برخی از این اشعار در قسمت معرفی علمای شافعی مذهب، اشاره شده است.

۲-۲-۲ نثر

نثر رایج‌ترین گونه نگارش در تمام زمینه‌ها می‌باشد که اکثر مناقب‌نگاری‌ها نیز به این صورت نوشته شده است، چه مناقب روایی که در کتب حدیثی ضبط شده‌اند و چه مناقبی که به صورت گزارش تاریخی ثبت گردیده‌اند.

۳-۲ محتوای نگارش

در نگارش مناقب گاه به نقل مناقب (نقل محض) اکتفا شده است و گاه علاوه بر نقل منقبت، تحلیل (نقل تحلیلی) آن نیز بیان شده است.

۱-۳-۲ نقل محض مناقب

آثاری که به نقل محض فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخته‌اند، به سه دسته قابل تقسیم می‌باشند: الف) تألیفاتی که به نقل روایی مناقب پرداخته‌اند، ب) کتاب‌هایی که رویکرد تفسیری - روایی دارند، ج) آثاری که با رویکرد تاریخی به نقل فضائل پرداخته‌اند.

۱-۳-۱-۲ روایی

مناقب‌نگاری صحابه و اهل بیت علیهم السلام ریشه در روایات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره فضائل برخی از شخصیت‌ها و صحابه دارد. لذا اولین کتاب‌هایی که در این زمینه تألیف شده‌اند، بیان فضائل اشخاص از زبان مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله و در مواردی اظهار نظرهای صحابه می‌باشند.

از این روی کتاب‌های متعددی فقط به نقل احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیان فضائل و مناقب صحابه و شخصیت‌های صدر اسلام پرداخته‌اند که در این میان علمای شافعی مذهب نیز به این امر اهتمام ورزیده و نسبت به فضائل اهل بیت علیهم السلام به ویژه فضائل و مناقب حضرت علی علیه السلام توجه خاصی نموده‌اند. در اکثر کتب روایی در باب مناقب اصحاب به فضائل و مناقب حضرت به صورت مفصل پرداخته‌اند و یا به خاطر اهمیت فضائل ایشان کتاب‌های مستقل روایی که فقط احادیثی که مناقب حضرت را بیان نموده‌اند، جمع‌آوری کرده‌اند که اکثر آن‌ها با ذکر سلسله سند رجالی و تعیین روایات صحیح و حسن و ضعیف نقل شده‌اند.

از جمله این کتاب‌ها می‌توان به کتب «خصائص امیرالمؤمنین علی علیه السلام» اثر عبدالرحمان احمد بن شعیب نسائی، «المستدرک علی الصحیحین» اثر حاکم نیشابوری، «حدیث الطیر»، «حدیث رد الشمس» و کتاب «مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام» اثر ابن مردویه اصفهانی، «فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام» اثر بیهقی خسروجردی، «فتح المطالب فی فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام»، «رساله طرق حدیث طیر»، «رساله طرق حدیث من کنت مولاه» اثر شمس‌الدین ذهبی، «أسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام» اثر شمس‌الدین جزری، «جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام» اثر شمس‌الدین باعونی و اکثر کتبی که به صورت مستقل نگاری درباره فضائل ایشان نوشته شده است، اشاره کرد.

همچنین بیشتر تألیفاتی که در مدح و ستایش اهل بیت علیهم السلام به نگارش درآمده‌اند، روایات مناقب حضرت را نیز بیان کرده‌اند. مانند کتب «إحیاء المیت بفضائل اهل البیت علیهم السلام» اثر جلال‌الدین سیوطی، «مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول صلی الله علیه و آله» اثر ابن طلحه شافعی، «مناقب

علی و الحسنین: و أمهما فاطمة الزهراء عليها السلام» اثر محمدفؤاد عبدالباقي، «ملتقى الاصفياء فى مناقب الإمام على و السبطين و الزهراء:» اثر عبدالفتاح راوه، «مناقب اهل بيت عليهم السلام» از دیدگاه اهل سنت» اثر سيد محمدطاهر هاشمی شافعی.

کتاب‌هایی که درباره فضائل صحابه نگارش یافته‌اند و مناقب حضرت در بین آن‌ها می‌باشد نیز همین خصوصیت را دارند. از جمله: «معرفة الصحابة» و «حلیة الاولیاء و طبقات الأصفیاء» اثر ابونعیم اصفهانی، «تاریخ بغداد» اثر خطیب بغدادی، «تاریخ مدینة دمشق» اثر ابن عساکر، «اسدالغابة فى معرفة الصحابة» اثر ابن اثیر جزری.

۲-۱-۳-۲ تفسیری - روایی

از جمله فضائل و مناقب درباره صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امتیاز خاص در این زمینه، نازل شدن آیات قرآنی درباره شخصیت یا عملکرد مثبت هر یک از صحابه می‌باشد که به عنوان شأن نزول آیه یا تطبیق فضیلت، امتیاز خاصی برای افراد شمرده می‌شود؛ غالباً در ذیل این گونه آیات، روایاتی که شأن نزول آیه و یا تطبیق فضیلت مذکور در یک آیه را بیان می‌کنند به عنوان تفسیر روایی از آن آیه مطرح می‌شود. در این زمینه روایاتی که در مورد تفسیر آیات در رابطه اهل بیت عليهم السلام به ویژه آیاتی که در شأن فضائل حضرت علی عليه السلام نازل شده‌اند، به وفور در بین تفاسیر اهل سنت علی الخصوص مفسرین شافعی مذهب یافت می‌شود که جزء فضائل و مناقب ویژه برای حضرت مطرح گردیده است. در این زمینه علاوه بر وجود روایات فراوان در تفاسیر مختلف، کتاب‌های مستقلاً درباره فضائل حضرت در قرآن استخراج شده است و به رشته تحریر درآمده است. از جمله این آثار، کتب «ما نزل من القرآن فى علی بن ابی طالب عليه السلام» اثر مردویه اصفهانی، «ما نزل من القرآن فى امیرالمؤمنین علی عليه السلام» اثر ابونعیم اصفهانی، تفسیر «الکشف و البیان» اثر ثعلبی، «اهل البيت: فى تفسیر الثعلبی ماروی عنهم و ما روی فیهم» استخراج روایات نقل شده در تفسیر «الکشف و البیان» اثر عادل کعبی و کتب قرآنی و تفسیری جلال الدین سیوطی و بیشتر مفسرین شافعی مذهب را می‌توان نام برد.

۳-۱-۳-۲ تاریخی

با توجه به شکل‌گیری تاریخ‌نگاری صدر اسلام و نگارش آثاری در این زمینه، نسبت به هر دوره‌ای از تاریخ، درباره شخصیت‌های تأثیرگذار هر دوره به تناسب، توسط تاریخ‌نگاران گزارش‌های

زیادی جمع‌آوری شده است که درباره فضائل افراد برجسته، به نقل روایات پیامبر ﷺ و سایر مناقب هر شخص پرداخته‌اند.

بنابراین اکثر وقایع تاریخی که درباره وقایع صدر اسلام توسط علمای اهل سنت به ویژه علمای شافعی مذهب گزارش شده است به ذکر فضائل و مناقب حضرت علی علیه السلام نیز پرداخته‌اند. ولی بیشتر تاریخ‌نگاران فقط به گزارش حوادث تاریخی و ذکر فضائل و نقش شخصیت‌ها در هر دوره بسنده کرده‌اند و در این زمینه هیچ‌گونه تحلیلی را ارائه نداده‌اند. از جمله این‌گونه آثار می‌توان به کتب «تاریخ بغداد» اثر خطیب بغدادی، «تاریخ مدینه دمشق» اثر ابن عساکر اشاره کرد.

۲-۳-۲ نقل تحلیلی مناقب

کتاب‌هایی که با دو رویکرد روایی - تحلیلی و تاریخی - تحلیلی به نقل مناقب و فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخته‌اند.

۱-۲-۳ روایی - تحلیلی

هرچند بیشتر آثار روایی در مورد مناقب، فقط نقل احادیث درباره فضائل هر شخص را بیان می‌کنند که نهایتاً با بررسی روایان حدیث همراه می‌باشد ولی برخی کتاب‌ها به همراه نقل روایات مناقب به تحلیل و بررسی فضائل، نحوه برداشت و فهم از حدیث جهت اثبات یا رد یک نظریه اعتقادی یا سیاسی می‌پردازند.

شاید مهم‌ترین و شاخص‌ترین اثری که در این زمینه نوشته شده است، کتاب «الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه» اثر ابن حجر هیثمی باشد و همچنین در عصر معاصر نیز کتاب «موقف من الشبهات علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام» اثر حامد محمد خلیفه، با این دیدگاه نوشته شده است.

۲-۳-۲ تاریخی - تحلیلی

با توجه به جایگاه و نقش حضرت در تاریخ صدر اسلام و همچنین دوران حیات و بعد رحلت رسول خدا ﷺ و نیز زمان خلافت حضرت، علاوه بر کتب تاریخی محض، کتاب‌های مستقل تاریخی بسیاری به تحلیل دوران زندگی ایشان پرداخته‌اند و جایگاه ویژه حضرت را در هر دوره تبیین نموده‌اند.



نویسندگان و تاریخ‌نگاران در دوره‌های معاصر به این‌گونه کتاب‌ها بیشتر تمایل نشان دادند و در کنار نقل حوادث تاریخی و مناقب حضرت به تحلیل اتفاقات مهم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره بعد از رحلت پیامبر ﷺ و جریان خلافت ایشان و جنگ‌های آن دوران پرداخته‌اند. چنان‌که کتب عبقریه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام اثر عباس محمود عقاد، علی علیه السلام امام الأئمة اثر شیخ حسن باقوری، علی بن ابی طالب علیه السلام بقیة النبوة و خاتم الخلافة اثر عبدالکریم خطیب، الامام علی بن ابی طالب علیه السلام اثر عبدالفتاح عبدالمقصود، الامام علی بن ابی طالب علیه السلام اثر توفیق ابوعلم، علی علیه السلام و الخلفاء اثر بشار عواد و اکثر کتبی که در دوره معاصر نوشته شده است در این قالب می‌باشد.

برخی از این نوع آثار علاوه بر جنبه تاریخی تحلیلی، گاهی با قالب داستان‌سرایی وقایع و حوادث درهم آمیخته شده‌اند که کتب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام رابع الخلفا الراشدين اثر محمدرضا مصری، «علی و بنوه علیه السلام» اثر طه حسین، «علی علیه السلام امام المتقین» اثر شرقاوی از چنین رویکرد نگارشی برخوردار می‌باشند.

۳- آسیب‌شناسی منقبت‌نگاری

آسیب‌های مناقب‌نگاری از ابعاد مختلف قابل بررسی و ارزیابی می‌باشد هرچند بررسی‌های تک تک کتاب‌های مورد بحث به صورت مفصل در این زمینه لازم به نظر می‌رسد، لکن مجال دیگری را می‌طلبید، لذا به اهم آسیب‌ها با در نظر گرفتن مجموعه آثار به طور اجمالی می‌پردازیم.

۳-۱ سخت‌گیری در نقل روایان شیعی

در آثار منقبتی امام علی علیه السلام که علمای شافعی به نگارش درآورده‌اند، متأسفانه در سلسله اسناد احادیث از روایان امامیه علی‌رغم ثقه بودن آن‌ها کمتر استفاده شده است (نک: ذهبی، ۱۹۶۳: ۵/۱) و از ائمه دیگر شیعه نیز که آگاه‌ترین افراد اهل بیت علیه السلام نسبت به این امر بودند روایات زیادی یافت نمی‌شود، لذا این رویکرد سبب شده این مناقب‌نگاری‌ها نسبت به مناقب‌نگاری‌های علمای امامیه (که آثار خود را بر محور کلام ائمه معصومین علیه السلام و نوادگان حضرت علی علیه السلام گذاشته‌اند)، از جامعیت کافی برخوردار نباشد و برخی از فضائل ارزشمند حضرت در این نگارش‌ها یا منعکس نشده است و یا به صورت ناقص نقل شده است. از جمله این احادیث، حدیث غدیر می‌باشد که در بیشتر آثار به صورت ناقص نقل شده است.

و یا ابن حجر هیشمی به صرف شیعه بودن یکی از راویان در سند حدیثی که در آن رسول خدا ﷺ فرمودند:

إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ وَهُوَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي؛

علی ﷺ از من است و من از علی ﷺ و او پس از من، ولی همه مؤمنان است.

این روایت را مردود دانسته و حاضر به بررسی آن نمی‌شود؛ در حالی که این روایت از طرق مختلف نقل شده است و ابن معین از حدیث شناسان برتر اهل سنت همان راوی را که «اجلح» باشد توثیق کرده است ولی ابن حجر هیشمی آن را قبول نمی‌کند و می‌گوید:

فَفِي سَنَدِهَا الْأَجْلَحُ وَهُوَ وَإِنْ وَثَّقَهُ ابْنُ مُعِينٍ لَكِنْ صَعَفَهُ غَيْرُهُ عَلَى أَنَّهُ شِيعِي (ابن حجر هیشمی، ۱۴۱۷: ۶۸/۱).

پس در سند این روایت اجلح وجود دارد، هرچند ابن معین وی را تقه دانسته است لکن غیر ابن معین وی را به خاطر شیعه بودن تضعیف کرده است.

۲- ۳ سخت‌گیری در قبول روایات مناقب

در نقل روایات مناقب و فضائل اهل بیت ﷺ خاصه فضائل علی ﷺ برخی از نویسندگان با سخت‌گیری‌های بیش از حد و با اندک بهانه‌ای روایات این باب‌ها را مخدوش، ضعیف و یا موضوع دانسته و درصدد رد آن‌ها برآمده‌اند. در حالی که این روایات را بسیاری از علمای متأخر به‌صورت صحیح یا حسن قبول کرده‌اند و یا آنکه برخی از روایات با توجه به اینکه از طرق مختلفی نقل شده است که هم اسناد ضعیف دارد و هم اسناد معتبر، ولی به خاطر مردود نشان دادن این چنین روایت‌هایی از احادیثی که با اسناد ضعیف نقل شده است، استفاده نموده‌اند.

از جمله این آثار کتاب مجمع الزوائد و منبع الفوائد اثر نورالدین هیشمی می‌باشد که متأسفانه با رد برخی از روایات مشهور مناقب و فضائل حضرت علی ﷺ، درصدد تضعیف و انکار آن روایات‌ها برآمده است؛ مانند حدیثی از رسول خدا ﷺ خطاب به حضرت زهرا ﷺ که در برخی منابع نقل شده است و آن را جزء احادیث صحیح یا حسن دانسته‌اند و سلسله راویان آن را نیز توثیق کرده‌اند. ولی نورالدین هیشمی این روایت را به دلیل بی‌اساسی رد کرده است.

يَا فَاطِمَةُ وَ نَحْنُ أَهْلُ بَيْتٍ قَدْ أَعْطَانَا اللَّهُ سَبْعَ خِصَالٍ لَمْ يُعِطْ أَحَدًا قَبْلَنَا وَلَا يُعْطَى أَحَدًا بَعْدَنَا. أَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَ أَكْرَمُ النَّبِيِّينَ عَلَيَّ اللَّهُ وَ أَحَبُّ الْمَخْلُوقِينَ إِلَيَّ اللَّهُ وَ أَنَا أَبُوكَ وَ وَصِيِّ خَيْرِ الْأَوْصِيَاءِ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَيَّ اللَّهُ وَ هُوَ بَعْلُكَ...



(ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۳۰/۴۲؛ طبرانی، ۱۳۹۸: ۵۷/۳؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ۳۲۷/۶).
رسول خدا ﷺ به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرمودند: ما خانواده‌ای هستیم که خدا
هفت ویژگی به ما داده است و پیش از ما به احدی داده نشده و پس از ما نیز به احدی
داده نخواهد شد. من خاتم پیامبران و گرامی‌ترین آنان و محبوب‌ترین بندگان، نزد خدا
هستم و من پدر تو هستم و وصی من بهترین اوصیا و محبوب‌ترین آنان نزد خداوند
است و او شوهر تو است.

وی پس از نقل این حدیث می‌نویسد:

طبرانی حدیث را در معجم کبیر و اوسط نقل کرده است و در سلسله سند آن [هیثم
بن حبیب] وجود دارد و ابوحاتم احادیث او را ناپسند دانسته است (هیثمی، ۱۳۸۸:
۲۶۰/۹).

در حالی که مزی (۱۴۰۰) در کتاب تهذیب‌الکمال از حدیث و رجال شناسان بسیاری از جمله
ابوحاتم را نام می‌برد که «هیثم بن حبیب صراف کوفی» را ثقه و راستگو دانسته‌اند (۳۶۹/۳۰ -
۳۷۰). و ابن حجر عسقلانی نیز وی را «صدوق» خوانده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ۵۷۷).
حدیث مذکور هرچند بدون خدشه و بر اساس اصول رجالی صحیح است، اما چون به فضیلت
بی‌بدیل حضرت علی علیه السلام به‌عنوان وصی و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله، پرداخته است و در ادامه حدیث
نیز برای اهل بیت پیامبر علیهم السلام فضائل بی‌ظنیری ثابت کرده است، متأسفانه هیثمی کوشیده است
با متهم کردن یکی از رجال سند آن، (هیثم بن حبیب) این حدیث را جعلی نشان دهد.
در مواردی نیز به‌طور کلی از نقل مناقب و فضائل حضرت که هیچ بهانه‌ای برای تضعیف آن
نداشتند، جلوگیری به عمل می‌آوردند تا در راستای تقویت شیعه نباشد. چنان‌که ابن عساکر با چند
واسطه به نقل از عیسی بن یونس چنین نقل می‌کند:

محمد بن داود حدانی نقل می‌کند از عیسی بن یونس شنیدم می‌گوید: جز یک‌بار ندیدم
که اعمش سرافکنده (خجل) شود، پس زمانی بود که او این حدیث را نقل کرد که من
تقسیم‌کننده بهشت و جهنم هستم پس این خبر به اهل سنت رسید، پس نزد وی آمدند
و به او گفتند آیا احادیثی روایت می‌کند که به وسیله آن‌ها روافض و شیعه و زیدیه تقویت
می‌شود؟ پس اعمش گفت: این حدیث را شنیده بودم پس آن را روایت کردم، پس به او
گفتند: پس هر روایتی را که بشنوی آن را نقل می‌کنی؟ می‌گوید: پس آن روز دیدم که
او سرافکنده (خجل) شد (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۹۹/۴۲).

ابن کثیر (۱۴۰۸) نیز در برخورد با روایات مناقب حضرت علی علیه السلام به شدت واکنش نشان می‌داد و اگر هم دلیلی بر ردّ روایتی پیدا نمی‌کرد بدون دلیل حدیث را صحیح نمی‌دانست. از جمله این احادیث «حدیث طبر» هست که وی بعد از نقل روایت مذکور و تأیید بزرگان حدیث، بازهم این حدیث را رد کرده و می‌گوید:

وَقَدْ جَمَعَ النَّاسُ فِي هَذَا الْحَدِيثِ مُصْتَفَاتٍ مُفْرَدَةً مِنْهُمْ أَبُو بَكْرٍ بْنُ مَرْدَوِيهِ وَالْحَافِظُ أَبُو طَاهِرٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حَمْدَانَ فِيمَا رَوَاهُ شَيْخُنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الذَّهَبِيُّ وَرَأَيْتُ فِيهِ مُجَلَّدًا فِي جَمْعِ طُرُقِهِ وَالْفَاظِ لِأَبِي جَعْفَرِ بْنِ جَرِيرِ الطَّبْرِيِّ الْمُسَرِّ صَاحِبِ التَّارِيخِ، ثُمَّ وَقَفْتُ عَلَى مُجَلَّدٍ كَبِيرٍ فِي رَدِّهِ وَتَضْعِيفِهِ سَنَدًا وَ مَتْنًا لِلْقَاضِي أَبِي بَكْرٍ الْبَاقِلَانِيِّ الْمُتَكَلِّمِ. وَبِالْجُمْلَةِ فَفِي الْقَلْبِ مِنْ صِحَّةِ هَذَا الْحَدِيثِ نَظَرٌ وَإِنْ كَثُرَتْ طُرُقُهُ وَاللَّهُ أَعْلَمُ (۳۹۰/۷).

«مردم درباره این روایت کتاب‌های مستقلی جمع‌آوری و نوشته‌اند، از جمله ابوبکر بن مردویه و حافظ ابوطاهر محمد بن احمد بن حمدان - بنابر آنچه استادم ابو عبدالله ذهبی نقل کرده است - و من یک مجلد درباره طرق و الفاظ این روایت را از ابو جعفر طبری، مفسر و صاحب تفسیر دیدم. سپس به مجلد دیگری دسترسی یافتیم در رد و تضعیف این روایت از نظر سند و متن که ابوبکر باقلانی متکلم آن را نوشته بود. در یک کلام، در قلب من در صحت این روایت اشکال است، اگرچه طرق بسیاری دارد. خداوند بهتر می‌داند.»

۳-۳ نقل روایات بدون ذکر سند و منبع

برخی از این کتب به خصوص کتب معاصر که رویکردی تحلیلی به وقایع تاریخی و فضائل امام علی علیه السلام دارند، در ذکر اسناد احادیث کوتاهی نموده‌اند و بدون اینکه سند حدیث و یا منبع جریان تاریخی را ذکر کرده باشند به تحلیل آن پرداخته‌اند و به ذکر منابع در پایان کتاب اکتفا کرده‌اند و برخی از این آثار حتی به منابع احادیث مذکور در پایان کتاب نیز اشاره نموده‌اند.

به‌عنوان نمونه عباس محمود عقاد (بی تا) ولادت حضرت علی علیه السلام را در مکه بیان می‌کند و با عبارت «لَقَدْ وُلِدَ مُسْلِمًا» ولادت ایشان را فضیلتی برای حضرت می‌داند (۴۳)؛ ولی هیچ‌گونه سندی از آن ارائه نمی‌کند و جریان‌های تاریخی را بدون اشاره به کتب تاریخی بیان کرده سپس به تحلیل آن‌ها می‌پردازد. همین آسیب در کتاب علی و بنوه علیهم السلام، اثر طه حسین نیز کاملاً

مشهود هست، مانند جریان جمع‌آوری قرآن توسط حضرت علی علیه السلام بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و عذر ایشان برای بیعت با خلیفه اول و مطالب دیگر که سندی را در این زمینه ارائه نداده‌اند. کتاب علی بن ابی طالب رابع الخلفا الراشدين اثر محمدرضا مصری نیز بدون هیچ استناد و کتاب‌شناسی ارائه شده است و بر اساس داستان سرایی و قصه‌پردازی به جریانات دوران خلافت حضرت و تحلیل وقایع آن دوران پرداخته است.

۴ - ۳ نقل روایات ضعیف و غیرواقعی

در برخی از این نگارش‌ها مطالبی که خلاف واقعیت‌های تاریخی است، نقل شده است که اساساً یا سندی ندارند و یا اسناد ضعیفی دارند که با نقل آن‌ها در عین بیان فضیلتی برای حضرت، نوعی طعنه نیز به ایشان یا خویشاوندان حضرت وارد می‌سازد. از جمله روایتی درباره ازدواج امام علی علیه السلام با حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که به شرب خمر حضرت حمزه عموی پیامبر اشاره می‌کند و محمد بن طلحه در کتاب المطالب السؤل فی مناقب آل الرسول تحریم شرب خمر را مربوط به این جریان بیان می‌کند و آن را از برکات این ازدواج می‌داند.

ابن شهاب زهری نقل می‌کند که گفت: علی بن الحسین علیه السلام، از پدرش حسین بن علی علیه السلام و او از پدر خویش علی بن ابی طالب علیه السلام برایم نقل کرد: من دو نفر شتر داشتم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از غنایم جنگ بدر به من اعطا فرموده بودند که در ولیمه ازدواج با حضرت زهرا علیها السلام مصرف کنم. آن‌ها در کنار خانه همسایه می‌خوابیدند. روزی دیدم که کوهان آن‌ها زنده‌زنده دریده و پهلویشان شکافته شده و جگرهایشان بیرون ریخته است. با دیدن این منظره، به شدت متأثر شدم و اشکم روان گردید، پرسیدم: چه کسی این کار قساوت‌بار را مرتکب شده است؟ گفتند: عمویت حمزه بن عبدالمطلب و اکنون او با گروهی از دوستانش و با شرکت کنیزک خواننده‌ای در حال خوردن شراب هستند. و آن کنیزک در ترانه‌اش این جمله را مترنم است: «ألا یا حمزة للشرف النواء»؛ «ای حمزه، شتران پرگوشت را دریاب» و حمزه با شنیدن این کلمات از زبان آن کنیزک تشویق شده، دست به شمشیر برد و شترها را به این روز سیاه انداخت! زهری می‌افزاید: علی بن ابی طالب علیه السلام گفت: من به جهت شکایت از عمویم حمزه، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتم و جریان شترها و حضور حمزه در خانه همسایه در مجلس بزم و می‌خواری را به آن حضرت گزارش کردم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حالی که من و زید بن حارثه به دنبالش

حرکت می‌کردیم، وارد آن خانه شد و حمزه را نکوهش و مذمت کرد. حمزه که به شدت مست و چشمانش سرخ شده بود، نگاه تندی به سراپای پیامبر خدا ﷺ انداخت و گفت: مگر شماها بردگان و غلامان پدر من نیستید که بر من اعتراض می‌کنید؟! پیامبر خدا ﷺ با شنیدن این جمله از ترس جانش عقب برگشت و خانه را ترک کرد» (ابن طلحه، ۱۴۱۹: ۵۵؛ باعونی، ۱۴۱۵: ۲۸۰؛ طبری، ۱۴۲۴: ۱۴۳/۳).

دربارهٔ شرب خمر حمزه عموی پیامبر ﷺ در سال دوم هجرت باید به سه نکته توجه کرد: الف) این حکایت در کتب معتبر تاریخی نیامده است و در قرآن کریم، شأن نزول هیچ‌یک از آیات مربوط به تحریم دربارهٔ جریان مذکور نیست و تفاسیر شیعه و سنی، چنین شأن نزولی را برای آن‌ها (اگرچه برخی تفاسیر اهل سنت هم نقل کرده باشند)، تأیید نکرده‌اند.

ب) حضرت حمزه در سال دوم هجرت (سال ازدواج علی با فاطمه) یکی از مهاجران و اصحاب برجسته پیامبر ﷺ بود و چنین عملی از او بعید به نظر می‌رسد.

ج) راوی این حدیث «زُهری» است که از جعل‌کنندگان حدیث به نفع بنی‌امیه و ضد بنی‌هاشم می‌باشد و از مشاوران نزدیک خلفای بنی‌امیه محسوب می‌شد و بر اساس نقل قول ابن حجر عسقلانی حدود نصفی از روایات او قابل توجه نبوده و از غیرتفات است (ابن حجر عسقلانی، بی تا: ۴۴۷/۹).

۵-۳ تناقض‌گویی و مشابه‌سازی فضائل

از بزرگ‌ترین تناقض‌هایی که اکثر نگارنده‌گان این آثار به نقل از احمد بن حنبل مدعی هستند که برای هیچ‌کس همانند امام علی ﷺ فضائل و مناقب نقل نشده است (مناقب الإمام أحمد بن حنبل، ص ۲۲۰؛ الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۱؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۰۷؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۴۱۸؛ الصواعق المحرقة، ص ۱۲۰). از طرفی روایاتی را نقل کرده‌اند که هیچ‌کس با حضرت علی ﷺ در فضائل قابل مقایسه نیست (ابن جوزی، ۱۴۰۹: ۲۱۹؛ طبری، ۱۳۵۶: ۱۷/۱؛ حموی جوبینی، ۱۴۰۰: ۴۵). همچنین روایتی از خلیفه اول نقل شده است که نظر به چهره حضرت علی ﷺ عبادت محسوب می‌شود (سیوطی، ۱۳۷۱: ۱۷۲؛ ابن حجر هیثمی، ۱۴۱۷: ۱۵۱/۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۳۵۰/۴۲)؛ و همچنین ابن عبدالبر از علمای مشهور و مقبول اهل سنت می‌گوید:

لَمْ يُرَوْ فِي فَضَائِلِ أَحَدٍ مِنَ الصَّحَابَةِ بِالْأَسَانِيدِ الْحَسَنِ مَا رُوِيَ فِي فَضَائِلِ عَلِيٍّ
بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

روایاتی که با بهترین سند، در فضیلت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده است، در فضیلت احدی از صحابه نیامده است. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۱۱۵/۳؛ ابن حجر عسقلانی، بی تا: ۲۹۸/۷؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۴۶۴/۴).

با این وصف دیگر نوبت به مقایسه بین اصحاب و تعیین افضل نمی‌رسد. ولی در عین حال، بدون هیچ ملاک روشن و صحیحی افضل صحابه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را افراد دیگری معرفی کرده‌اند (طبری، ۱۴۲۴: ۱۸۱/۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۲۷۷/۱۰؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۳۴۶/۳۰؛ سیوطی، ۱۳۷۱: ۳۹).

با این توجیه که به خاطر اجماع در بین امت و حفظ مصالح عمومی مسلمین و دوری از فتنه‌های احتمالی، تقدیم مفضول بر افضل را جایز دانسته‌اند (ابن حجر هیثمی، ۱۴۱۷: ۱۱۰/۱). و یا به خاطر یکسان‌سازی فضائل در بین اصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مشابه فضائل حضرت را به دیگر صحابه هم نسبت داده‌اند و حفظ موقعیت سایر صحابه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نوع نگاشته‌های آنان مؤثر بوده است.

به‌عنوان نمونه حدیث مشهور «أنا مدينة العلم و علی بابها» که اکثر علمای اهل سنت این حدیث را نقل کرده‌اند و آن را صحیح می‌دانند و امثال ابن حجر عسقلانی درباره این حدیث می‌گویند: این حدیث طرق متعدده دارد و حدیثی ریشه‌دار است و آن‌هایی که گفتند این حدیث جعلی است، اشتباه کردند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰: ۱۲۳/۲).

حاکم نیشابوری (۱۴۲۹) هم در مستدرک می‌گوید: «سند این روایت کاملاً صحیح است» (۱۳۷/۳).

ولی ابن حجر هیثمی (۱۴۱۷) این روایت را مخدوش معرفی کرده است و شبیه این روایت را در معارضه با این روایت مشهور چنین بیان کرده است.

الْخَبْرُ الْآتِي فِي فَضَائِلِهِ [عَلِيٍّ] أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا، لِأَنَّا نَقُولُ سَيَأْتِيَنَّ أَنْ ذَلِكَ الْحَدِيثُ مَطْعُونٌ فِيهِ وَ عَلِيٌّ تَسْلِيمٌ صَحِيحِهِ أَوْ حُسْنِهِ، أَبُو بَكْرٍ مِحْرَابُهَا... أَنَّ تِلْكَ الرِّوَايَةَ مُعَارِضَةٌ بِخَبَرِ الْفِرْدَوْسِ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ أَبُو بَكْرٍ أَسَاسُهَا وَ عُمَرُ حَيْطَانُهَا وَ عُثْمَانُ سَقْفُهَا وَ عَلِيٌّ بَابُهَا (۱/ ۵۷).

خبری که در فضائل حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ خواهد آمد که من شهر علم هستم و علی درب آن می‌باشد، ما قائل هستیم که همانا این حدیث مخدوش می‌باشد و بر فرضی هم که

صحیح یا حسن بودن این حدیث را هم قبول کنیم، ابوبکر محراب آن شهر خواهد بود... همانا آن روایت معارض با روایتی هست که دیلمی در کتاب فردوس الأخبار می‌گوید: من شهر علم هستم و ابوبکر اساس آن، عمر دیوار آن، عثمان سقف آن و علی درب آن است.

ایشان با نقل این روایت در برابر روایت مشهور «أنا مدينة العلم و علی بابها» معتقد بوده که خلیفه اول از لحاظ علمی برتر از سایر صحابه است. در حالی که روایت‌های زیادی در نگاشته‌های مناقب و فضائل حضرت علی علیه السلام و هم در سایر کتب اهل سنت دلالت بر اعلم بودن حضرت علی علیه السلام دارند. از باب نمونه: ابونعیم اصفهانی (۱۴۱۶) از ابن عباس نقل می‌کند:

وَمَا عَلِمِي وَ عِلْمُ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ فِي عِلْمِ عَلِيٍّ إِلَّا كَقَطْرَةٍ فِي سَبْعَةِ أَبْحُرٍ (۱/۶۵)؛

علم من [ابن عباس] و علم تمام صحابه در برابر علم علی علیه السلام همانند قطره‌ای است در برابر هفت دریا.

عین حال برخی برای اینکه در مقابل این حدیث چیزی برای گفتن نداشتند، افراد دیگری از صحابه را نیز در این روایت شریک کردند. از جمله سخاوی در ادامه همان حدیثی که ابن حجر هیثمی نقل کرده است بنا بر قول دیلمی می‌گوید معاویه نیز به عنوان حلقه درب شهر علم می‌باشد (سخاوی، ۱۳۹۹: ۹۷). البته ایشان این روایت را که از کتاب فردوس الأخبار دیلمی نقل کرده است، ضعیف دانسته است.

در واقع اصل روایت مشهوری که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «أنا مدينة العلم و علی بابها» که در اکثر کتب اهل سنت نیز نقل شده است، پیامبر صلی الله علیه و آله خواسته‌اند یک مسئله معنوی را به یک مسئله عرفی مثال بزنند که هرکس بخواهد به علم رسول خدا صلی الله علیه و آله برسد باید از راهش وارد شود که همان علی بن ابی‌طالب علیه السلام می‌باشد. چنانکه برای ورود به هر شهری باید از دروازه آن شهر عبور کرد. دیگر بحث‌های سقف و دیوار و غیره کاملاً بی‌معنی جلوه می‌کند.

نمونه‌های دیگری از این مشابه‌سازی فضائل حضرت برای سایر صحابه را در آثار معرفی شده در این پژوهش می‌توان مشاهده کرد. از جمله: اولین مسلمان بودن حضرت، سید جوانان بهشت بودن حسنین علیهما السلام و غیره که غالباً این فضائل را در حق سایر اصحاب مخصوصاً خلفای اول و دوم نیز نقل شده است که برخی از مواقع نیز توسط علمای حدیث‌شناس مخدوش اعلام شده

است. به نظر می‌رسد همه این مطالب در راستای تضعیف جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام و حضرت علی علیه‌السلام توسط عمال بنی‌امیه در کتب حدیثی گنجانده شده است. چنان‌که مدائنی دستور معاویه را نسبت به جعل احادیث فضائل حضرت علی علیه‌السلام را به خطبا، کاتبان و کارگزاران خود چنین نقل می‌کند:

فَادْعُوا النَّاسَ إِلَى الرِّوَايَةِ فِي فِضَائِلِ الصَّحَابَةِ وَ الْخُلَفَاءِ الْأَوَّلِينَ وَ لَا تُتْرَكُوا خَبْرًا
يُرْوَاهُ أَحَدٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِي أَبِي تَرَابٍ إِلَّا وَ تَأْتُونِي بِمُنَاقِضٍ لَهُ فِي الصَّحَابَةِ فَإِنَّ
هَذَا أَحَبُّ إِلَيَّ (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ۴۵/۱۱).

پس مردم را به نقل روایات درباره فضائل صحابه و خلفای ثلاثه فرا بخوانید و ترک نکنید روایتی که درباره ابوتراب علی بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام نقل شده باشد مگر اینکه همان روایت را برای صحابه جعل کنید تا روایت فضیلت علی بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام مناقض داشته باشد. البته این امر برای من بهتر و دوست داشتنی‌تر هست.

البته جعل روایات توسط بنی‌امیه بر علیه اهل بیت علیهم‌السلام و حضرت علی علیه‌السلام از مسائلی است که در بسیاری از کتب اهل سنت به آن اشاره شده است؛ مانند محمد سلیم عرفه که در این باره می‌گوید:

إِنَّ أَكْثَرَ الْأَحَادِيثِ الْمَوْضُوعَةِ فِي فِضَائِلِ الصَّحَابَةِ افْتَعَلَتْ فِي أَيَّامِ بَنِي أُمَيَّةٍ تَقَرُّبًا
إِلَيْهِمْ (عرفه، ۱۴۲۷: ۱۶)؛

این فضائلی که درباره صحابه مطرح شده است این‌ها اکثراً در ایام بنی‌امیه جعل شده است برای نزدیک شدن [جعل کننده] به آن‌ها.

۶-۳ تک‌بعدی معرفی کردن حضرت علیه‌السلام در برخی نوشتارها

برخی نگارنده‌های این آثار به دلیل گرایش به تصوّف، بیشتر تحت تأثیر عرفان، زهد و کرامت‌های علی علیه‌السلام قرار گرفته و به جنبه‌های دیگر زندگی حضرت کمتر توجه کرده‌اند؛ به این سبب در معرفی ایشان، در ذهن مخاطب طوری القا می‌کنند که حضرت فقط به خاطر عبادات مخصوص، زهد و دوری از دنیا به این مقامات عرفانی رسیده است و در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ایشان دستاورد مهمی نداشته است. همه این مسائل اعم از حکومت و مطالب فرعی آن برای حضرت مهم نبوده و فقط جنبه ظاهری داشته‌اند و شخصیت حضرت را بالاتر از آن می‌دانند که به جنبه‌های سیاسی و دنیوی بپردازند. در حالی که طبق بیشتر آثار مناقب‌نگاری‌ها،

حضرت در همه زمینه‌های علمی، معنوی، عبادی، سیاسی، جهادی، شجاعت و غیره سرآمد بوده و شخصیتی بودند که در همه ابعاد زندگی به‌عنوان الگو برای مسلمانان مطرح هستند. مانند کتاب علی علیه السلام امام العارفین، او البرهان الجلی فی تحقیق انتساب الصوفیه الی علی علیه السلام اثر احمد بن صدیق الغماری مغربی که جنبه معنوی و عرفانی و زندگی زاهدانه حضرت را برجسته کرده است و سایر ابعاد شخصیتی ایشان را کم‌اهمیت جلوه داده است.

۴ - نتیجه‌گیری

سبک‌ها و شکل‌های مختلف نگارشی در قرون مختلف را می‌توان در مناقب‌نگاری‌ها مشاهده کرد، ولی با توجه به سال‌های تدوین این آثار (ظاهراً تا قرن ششم) مناقب روایی محض جلوه بیشتری دارد و از قرن ششم با رواج یافتن مجموعه‌نگاری‌ها، نقل مناقب حضرت علی علیه السلام بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و در کنار نقل روایات به تحلیل آن‌ها نیز پرداخته شده است. مستقل‌نگاری در باب فضائل حضرت از قرن هفتم به بعد نسبت به گذشته بیشتر می‌باشد و از قرن دهم سبک جدیدی با نقل فضائل امام علی علیه السلام همراه تاریخ تحلیلی ایام زندگانی حضرت به وجود آمد و اکثر مناقب‌نگاری‌ها در دوران معاصر نیز از این شیوه متأثر گردیده است. هرچند این نوشته‌ها از ارزش بالایی برخوردار هستند و در قرون متمادی نقش مهمی را جهت آشنایی مسلمانان مخصوصاً اهل سنت با فضائل و مناقب امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام ایفا کرده‌اند، ولی با توجه به اینکه در بیان این مطالب و تحلیل آن‌ها از مکتب اهل بیت علیهم السلام و بیانات ائمه کمتر استفاده شده است، این آثار به آسیب‌هایی نیز دچار شده‌اند.



كتاب نامه

- ابن ابي الحديد، عز الدين ابو حامد عبد الحميد بن هبة الله. (١٣٧٨ق). شرح نهج البلاغة، تحقيق: محمد ابو الفضل ابراهيم، دار احياء الكتب العربية؛
- ابن اثير جزرى، على بن محمد. (١٤٠٩ق). اسد الغابة فى معرفة الصحابة، بيروت: دار الفكر؛
- ابن اثير، ابو الحسن على بن ابي الكرم. (١٣٩٩ق). الكامل فى التاريخ، بيروت: دار صادر؛
- ابن جزرى، شمس الدين محمد بن محمد. (بى تا). أسنى المطالب فى مناقب سيدنا على بن ابي طالب كرم الله وجهه، تحقيق: محمد هادى امينى، اصفهان: مكتبة الإمام أمير المؤمنين على عليه السلام العامة؛
- ابن جوزى، ابو الفرج. (١٤٠٩ق). مناقب الإمام أحمد بن حنبل، تحقيق: عبد الله بن عبد المحسن تركى، قاهره، دار هجر، چاپ دوم؛
- ابن حجر عسقلانى. (١٣٩٠ق). لسان الميزان، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم؛
- ابن حجر عسقلانى. (١٤٠٦ق). تقريب التهذيب، تحقيق: محمد عوامة، سوريه: دار الرشيد؛
- ابن حجر عسقلانى. (بى تا). تهذيب التهذيب، بيروت: دار صادر؛
- ابن حجر عسقلانى، احمد بن على. (١٤١٥ق). الاصابة فى تمييز الصحابة، تحقيق: على محمد معوض و ديكران، بيروت: دار الكتب العلميه؛
- ابن حجر هيثمى، أحمد بن محمد. (١٤١٧ق). الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقه، تحقيق: عبد الرحمن بن عبد الله تركى و ديكران، لبنان: مؤسسة الرسالة؛
- ابن طلحه نصيبى، محمد بن طلحه. (١٩٩٩م). مطالب السؤول فى مناقب آل الرسول، تحقيق: عبد العزيز طباطبايى، بيروت: مؤسسه البلاغ؛
- ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله. (١٤١٢م). الاستيعاب فى معرفة الأصحاب، تحقيق: على محمد بجاوى، بيروت: دار الجيل؛
- ابن عساكر، ابو القاسم على بن الحسن. (١٤١٥ق). تاريخ مدينة دمشق و ذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل أو اجتاز بنواحيها من واردتها وأهلها، تحقيق: محب الدين أبى سعيد عمر بن غرامة العمري، بيروت: دار الفكر؛

- ابن كثير، عمادالدين اسماعيل بن عمر. (١٤٠٨ق). البداية و النهاية، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار الإحياء التراث العربى؛
- ابن مردويه اصفهاني، احمد بن موسى. (١٣٨٠ش). مناقب على بن ابى طالب عليه السلام و ما نزل من القرآن فى على عليه السلام، تحقيق: عبدالرزاق محمدحسين حرزالدين، قم: دارالحديث؛
- ابن مغازلى، ابوالحسن. (١٣٥٦ش). مناقب الامام على بن ابى طالب عليه السلام، ترجمه: محمدجواد مرعشى نجفى، قم: انتشارات كتابخانه حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى؛
- ابونعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله. (١٤١٦ق). حلية الاولياء و طبقات الاصفياء، لبنان: دارالفكر؛
- احمد بن حنبل، أبو عبدالله الشيباني. (١٤٠٣ق). فضائل الصحابة، تحقيق: وصى الله محمدعباس، بيروت: مؤسسة الرسالة؛
- إسنى، عبدالرحيم بن حسن. (١٤٢٢ق). طبقات الشافعية، تحقيق: كمال يوسف حوت، بيروت: دار الكتب العلمية؛
- اصغريور، حسن. (١٣٨٦ش). «درآمدی بر مناقب‌نگاری اهل بيت عليهم السلام از آغاز تا پايان قرن سوم»، مجله علوم حديث، شماره ٤٦-٤٥، صص ٢٩٨-٢٦٥؛
- أصفهاني، ابونعيم أحمد بن عبدالله. (١٤١٩ق). معرفة الصحابة، تحقيق: عادل بن يوسف العزازى، الرياض: دار الوطن للنشر؛
- امين قلجى، عبدالمعطى. (١٣٦٢ش). مناقب على و الحسين و امها فاطمة الزهراء عليها السلام، انتخاب و ترجمه: صادق آئينه‌وند، تهران: اميركبير؛
- امين قلجى، عبدالمعطى. (١٣٩١ش). مناقب على و الحسين و امها فاطمة الزهراء عليها السلام (فضائل عترت محمد صلى الله عليه و آله و سلم در احاديث اهل سنت)، ترجمه: عباس اشرفى، تهران: بين الملل؛
- امين قلجى، عبدالمعطى. (١٣٩٩ق). مناقب على و الحسين و امها فاطمة الزهراء عليها السلام، سوريه، حلب: دار الوعى؛
- اورامى، شاهرخ، و ديگران. (١٣٧٩ش). تولای على عليه السلام در ادب و فرهنگ شعراء و عرفای کرد اهل سنت، سنج: ستاد سال اميرالمؤمنين امام على عليه السلام؛
- باعونى دمشقى، محمد بن احمد. (١٤١٥ق). جواهر المطالب فى مناقب الإمام على بن أبى طالب عليه السلام، تحقيق: محمدباقر محمودى، ايران، قم: مجمع احياء الثقافه الاسلاميه؛

- باقوری، احمدحسن. (بی تا). علی علیه السلام امام الائمة، قاهره: مكتبة مصر؛
- بسام، علی. (۱۹۸۸م). الإمام القائد، بیروت: دار النفائس؛
- بشار عواد، معروف. (۱۴۳۱ق). علی علیه السلام و الخلفاء، قاهره: مكتبة الامام البخاری؛
- ثعلبی، احمد بن محمد. (۲۰۰۲م). الكشف و البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: ابو محمد ابن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی؛
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله. (۱۴۲۹ق). المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: شیخ عبدالرزاق المهدي، بیروت: دارالکتب العربیة، چاپ دوم؛
- حبشی الحفناوی، فتح الله. (۱۴۰۹ق). من وصایا علی علیه السلام للأطفال و الفتيان، مصر، اسکندریه: مؤسسة المکتب الجامعی الحديث؛
- حسین، طه. (۱۳۴۰ش). علی و بنوه علیهم السلام، ترجمه: محمد علی خلیلی، تهران: انتشارات گوتنبرگ، چاپ سوم؛
- حسینی شافعی ایجی، احمد بن جلال الدین. (۲۰۰۷م). فضائل التقلین من کتاب توضیح الدلائل علی ترجیح الفضائل، تحقیق: حسین حسینی بیرجندی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب؛
- حموی جوینی، ابراهیم بن محمد. (۱۴۰۰ق). فرائد السمطین، تحقیق: محمدباقر محمودی، بیروت: مؤسسه المحمودی؛
- خالد، محمد خالد. (۲۰۰۵م). فی رحاب علی علیه السلام، قاهره: انتشارات المقطم؛
- خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۱۷ق). تاریخ بغداد، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة؛
- خطیب، عبدالرحیم. (۱۳۷۱ش). صهرین، ایران: انتشارات حیدری، چاپ چهارم؛
- خطیب، عبدالکریم. (۱۳۹۵ق). علی بن ابی طالب علیه السلام بقیه النبوه و خاتم الخلافه، بیروت: دار المعرفة للطباعة و النشر؛
- الخلیفة، حامد محمد. (۲۰۰۴م). الإنصاف فی ما وقع فی العصر الراشدی من الخلاف، دمشق: دارالقلم؛
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد. (۱۴۰۵ق). سیر الاعلام النبلاء، تحقیق: شیخ شعیب الأرنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ دوم؛

- ذهبي، شمس الدين محمد بن احمد. (١٤٢٣ق). رساله طرق حديث من كنت مولاه، تحقيق: عبدالعزيز طباطبائي، قم: دليل ما؛
- ذهبي، شمس الدين محمد بن احمد. (١٩٦٣م). ميزان الاعتدال في نقد الرجال، تحقيق: على محمد البجاوي، قاهره: دار احياء الكتب العربية؛
- راوه مكي، عبدالفتاح بن حسين. (١٣٨٧ق). ملتي الاصفياء في مناقب الإمام على و السبطين و الزهراء عليها السلام، قاهره: مطبعة المدني؛
- رضا مصري، محمد. (بي تا). الامام على بن ابي طالب عليه السلام رابع الخلفاء الراشدين، بيروت: دار الكتب العلميّة؛
- زركلي، خيرالدين. (١٣٩٩ش). الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربين والمستشرقين، بيروت: دار العلم للملايين، چاپ چهارم؛
- سبكي، تاج الدين عبدالوهاب بن على. (١٣٨٣ق). طبقات الشافعية الكبرى، تحقيق: محمود محمد الطناحي و ديگران، بيروت: دار احياء الكتب العربية؛
- سخاوي، شمس الدين. (١٣٩٩ق). المقاصد الحسنة في بيان كثير من الأحاديث المشتهرة، تحقيق: عبدالله محمد الصديق الغماري و ديگران، بيروت: دار الكتب العلمية؛
- سيوطي، جلال الدين عبدالرحمان بن ابي بكر. (١٩٥٢م). تاريخ الخلفاء، تحقيق: محمد محي الدين عبدالحميد، مصر: مطبعة السعادة؛
- سيوطي، جلال الدين عبدالرحمان بن ابي بكر. (بي تا). الإقتان في علوم القرآن، بيروت: دارالكتاب العربي؛
- شبراوي، عبدالله بن محمد. (٢٠٠٢م). الاتحاف بحب الاشراف، تحقيق: سامي الغريبي، قم: مؤسسة الكتاب الاسلامي؛
- شبلنجي، مؤمن، (بي تا). نور الابصار في مناقب آل بيت النبي المختار، قم: الشريف الرضي؛
- شرقاوي، عبدالرحمان. (٢٠١٢م). على عليه السلام امام المتقين، لبنان: دار القاري؛
- صبيح، محمد. (١٣٧٩ق). على عليه السلام و عثمان، قاهره: كتاب الشهر؛
- صفوري، عبدالرحمن. (١٤٠٦ق). مختصر المحاسن المجتمعة في فضائل الخلفاء الاربعة، تحقيق: محمد خير المقداد و ديگران، دمشق - بيروت: دار ابن كثير؛
- صفى زاده، فاروق. (١٣٨٧ش). امام على عليه السلام از دیدگاه اهل سنت و جماعت، تهران: انتشارات مدحت؛

- طباطبائي، عبدالعزيز. (١٤١٧). اهل البيت عليهم السلام في المكتبة العربية. قم: آل البيت لإحياء التراث؛
- طبراني، سليمان بن احمد. (١٣٩٨ق). المعجم الكبير، تحقيق: عبدالمجيد السلفي حمدي، قاهره: مكتبة ابن تيميه؛
- طبراني، سليمان بن احمد. (١٤١٥ق). المعجم الاوسط، تحقيق: طارق بن عوض الله و ديگران، قاهره: دار الحرمين؛
- طبرى، محب الدين احمد بن عبدالله. (١٣٥٦ق). ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى، قاهره: مكتبة القدسي؛
- طبرى، محب الدين احمد بن عبدالله. (١٤٢٤ق). الرياض النضرة فى مناقب العشرة، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ دوم؛
- طبرى، ابن جرير. (١٣٨٧ق). تاريخ الرسل و الملوك (تاريخ طبرى)، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت: دارالمعارف، چاپ دوم؛
- عبادة الغمارى المغربى، أبو اليسر عبدالعزيز. (١٤١٩ق). «الإفادة بطرق حديث النظر إلى على»، تحقيق: حسن حسيني، مجله علوم حديث، شماره سوم، صص ٣٠٥ - ٢٣٩؛
- عبدالمقصود، عبدالفتاح. (١٣٥١ش). امام على بن أبى طالب تاريخ تحليلى نيم قرن اول اسلام، ترجمه: سيد محمود طالقانى و ديگران، تهران: شركت سهامى انتشار؛
- عرفة، محمدسليم. (١٤٢٧ق). إفادات من ملقات التاريخ، ايران: مركز الأبحاث العقائدية، مطبعة ستاره؛
- عقاد، عباس محمود. (بى تا). عبقرية الامام على عليه السلام، ترجمه: سيدجعفر غضبان، تهران: انتشارات مجله ماه نو؛
- غمارى الحسنى، احمد بن محمد بن صديق. (٢٠٠٩م). فتح الملك العلى بصحة حديث باب مدينة العلم، مصر: مكتبة القاهرة، چاپ دوم؛
- الغمارى، أبو الفيز أحمد بن الصديق. (٢٠٠٩م). على بن ابى طالب عليه السلام امام العارفين، او البرهان الجلى فى تحقيق انتساب الصوفيه الى على عليه السلام، مصر: مكتبة القاهرة، چاپ دوم؛
- فاروقى، فؤاد. (١٣٦٢ش). بيست و پنج سال سكوت على عليه السلام، تهران: مؤسسه مطبوعات عطايى؛

- فوزی، رفعت. (۱۴۰۶ق). صحیفة علی بن ابی طالب علیه السلام عن رسول الله صلی الله علیه و آله، قاهره: انتشارات دار السلام؛
- کنجی، محمد بن یوسف. (بی تا). کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، تحقیق: محمد هادی امینی، بی جا؛
- محمد خالد، خالد. (۱۴۲۱ق). رجال حول الرسول صلی الله علیه و آله، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر؛
- مزّی، جمال الدین یوسف بن عبدالرحمان. (۱۴۰۰ق). تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، تحقیق: معروف بشار عواد، بیروت: مؤسسه الرساله؛
- نسائی، احمد بن شعیب، ابوعبدالرحمان. (۱۳۹۳ش). خصائص امیر المؤمنین علی علیه السلام (ویژگی های امام علی علیه السلام)، ترجمه: فتح الله نجارزادگان، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم؛
- هاشمی، محمد طاهر. (۱۳۸۹ش). مناقب اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت، به اهتمام: سید ناصر حسینی میبدی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ سوم؛
- هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر. (۱۹۶۷م). مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دارالکتب، چاپ دوم.

